

معرفی

یک کتاب بی اندازه جالب و عجیب

در باره اهمیت کتاب

کتابی که در باره آن بحث میکنیم کتابی است بسیار جالب و بی مانند که به نام عجیب «رستم التواریخ» نامیده شده و اخیراً توفیق چاپ و انتشار آن بدست آمده است . این کتاب از نظر احتوای مطالب و حقایق بکری که تا کنون در نوشته و کتابی درج نشده ، در نوع خود بی نظیر میباشد . در این کتاب بداستانها و مطالبی در باره حوادث و سوانح ایام سلطنت شاه سلطان حسین صفوی تا اواسط پادشاهی فتحعلی شاه قاجار برمی خوریم که در نهایت سادگی و بدون حشو و زواید ، وضع اجتماعی آن

دوران را تشریح کرده و تا آنجا که از جریان وقایع اطلاع داشته و یا امکان بازگو کردن مطالب برای وی میسر بوده اذکر و بیان آن دریغ نکرده است. این کتاب صرف نظر از شمول حقایق تاریخی از قبیل حوادث دوران سلطنت شاه سلطان حسین و انقراض سلسله صفوی و هجوم افغانه و سلطنت محمود و اشرف و ظهور نادرشاه و دوران پادشاهی کریم خان زند و اخلاف وی و هرج و مرج ملوک الطوائفی و جنگهای فتحعلی خان قاجار و محمدحسن خان قاجار و ظهور آقامحمدخان و تشکیل سلسله قاجاریه و سلطنت فتحعلیشاه و غیره مشتمل بر افادات بسیاری از وضع اجتماعی و اخلاقی مردم آن روزگار است، که اطلاعات ارزنده و جالبی از فساد امرای درباری و روحانیون و تبهکاری وزرا و حکام و طبقه ممتاز و سمت‌های افغانان اشغالگر، بدست می‌دهد و نیز متضمن اطلاعات گرانبھائی است دربارهٔ حرفه‌ها و مشاغل و نام علماء و حکما و خطاطان، هنرمندان و اطباء و پهلوانان و باشیان و عیاران و مکاران و لولیان و نیز دربارهٔ مالیات و خراج شهرها و مالیات و نرخ بسیاری از کالاها و القاب شهرها و غیره که از جهت مطالعات تاریخ اجتماعی آن دوره بسیار مفید میباشد.

نویسنده کتاب کیست ؟

نام مؤلف محمد هاشم است که آصف تخلص می‌کرده و به لقب رستم الحکما اشتہار داشته است و بطوریکه خود مینویسد، این لقب را پدرش بوی داده :
 « لاجرم ای فرزند دلپسند سعادت‌مند، چون نشانه‌های همایون طالعی و فیروز بختی در تومی بینم، پس ترا لقب و مخاطب نمودم به رستم الحکما که بر تو مبارک و میمون باد ... » ص ۶۲ کتاب

رستم الحکما در جاهای مختلف کتاب القابی به شرح زیر بخود نسبت میدهد :

حکیم بزرگ دوران، فیلسوف سترک زمان، عالم آرا، سید الفلاسفه، شمس الوزراء، زبدة العلماء، عین الفقها، عقيلة العرفا، هرمس صفات، ارسطو

کمالات، فیثاغورث سمات و امثال اینها، و نیز مینویسد که از طرف فتحعلیشاه بلقب **صمصام الدوله** مخاطب شده (ص ۱۲۳ کتاب).

رستم الحکما، شعر نیز میسروده و دیوان شعری بنام **گلشن** داشته که در کتاب حاضر از آن دیوان بمناسبت موضوع گاهی ابیاتی آورده است. وی تألیفات دیگری نیز دارد که چندتا از آنها بخط خودش در کتابخانه های ملی طهران و دانشگاه و ملک و جامع گوهرشاد (مشهد) موجود است (مراجعه شود بمقاله آقای محمدتقی دانش پزوه در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی شماره ۵ و ۶ سال ۱۵ ص ۴۷۶ و نیز مقاله آقای احمد سهیلی خوانساری در مجله وحید سال اول شماره یکم (ص ۲۱))

رستم الحکما خود را در حسن خط می ستاید نیز مدعی است که خطی از تعلیق ابداع کرده که آنرا بنام **مسلسل خاقان پسند** خوانده میشود که در کتاب چاپ حاضر چهار صفحه از خط مؤلف برای دیدن علاقه مندان به قطع اصلی کلیشه شده است.

دانشمند گرامی **دکتر عبدالحسین نوائی** در کتاب **کریمحان زند اثر** تألیفی خود با آنکه نسخه رستم التواریخ را در اختیار داشته و در سراسر کتاب خود از آن استفاده شایان نموده اند متأسفانه نام مؤلف را اشتباهاً **امیر حسن خوش حکایت** که پدر مؤلف بوده، قید فرموده اند و تصور می رود ایشان از نسخه کتابخانه **ملک** که فاقد صفحات اول و آخر است استفاده فرموده اند و این اشتباه ناشی از آن باشد، گرچه در جاهای بسیاری از کتاب نام مؤلف **کراراً** بطور صریح و کامل آمده است.

سبب تألیف کتاب

مؤلف سبب تألیف کتاب را چنین مینویسد :

« مرا نامور پدری بود، حکیم منش و فیلسوف روش مشهور به

امیر محمد حسن خوش حکایت که چون احساس نمود و اطلاع یافت، که

این مخلص در سن چهارده سالگی ، پای در دایره شاعری و انشاگری نهاده و دم از فصاحت و بلاغت میزند و بتضعیف اشعار آبدار و انشائی منشآت حلاوت مدار مشغول می‌باشد ... چنین گفت :

« ای فرزند سعادت‌مند ، از ابتدای دولت گردون مدت ، سلطان جمشید نشان ، شاه سلطان حسین الی الآن از وقایعی که وقوع یافته ، هر چه بچشم خود دیدم و هر چه از والد و عم خود شنیدم ، قصه‌های شیرین و حکایت‌های دلنشین در خاطر و یاد دارم بتدریج و ترتیب ذکر میکنم و بدقت بشنو و بر صفحه تقریر بخامنه تحریر در آور که از من و تو در این ناپایدار یاد گاری بماند .

ای فرزند سعادت‌مند ، این حکایات را که از من میشنوی ، با کمال وضوح و اختصار به عبارات شیرین بیان کن که بفهم همه کس از خاص و عام نزدیک باشد و طریقه خیر الکلام ماقول و دل را از دست مده و ز نهار کلمات مغلقه بهم پیچیده از فهم عوامل دور ، در این تاریخ می‌آور که باعث حیرانی خلایق باشد و بر سبیل و جوب برهان و کثرت و فرهنگ و قاموس بجهت فهمیدن الفاظ مشکله آن در میان آورند و این کتابها بسیار نادر و کم و نایاب است و این تاریخ را مسمی کن به رستم التواریخ و دیباچه آن را موشح و مزین نما و بیار و زینت بده بنام واسم گرامی شهنشاه کشور گیر ، جهان آرا . . . » (ص ۶۳ کتاب)

تاریخ تألیف

مؤلف تاریخ تألیف را صریحاً می‌نویسد :

« غرض آنکه این تاریخ مبارک میمون را از سال یک هزار و صد و نود و سه هجری به تدریج نوشته ، تا سال یک هزار و صد و نود و نه سال و یازده ماه هجری و مسوده‌های وقایع و حوادث آن به گوشه افتاده ، در سال یک هزار و دو و بیست و نه هجری که سال نهم سلطنت .. سلطان محمد شاه قاجار (منظور آقامحمدخان است) مسوده‌ها را جمع نموده و نسخه نوشته و بگوشه نهاده تا آنکه در سال یک هزار و دو و بیست و چهل و هفت که سال سی و هفتم (سی و پنجم صحیح است) شاهی فتحعلیشاه ، بنظر کیمیا اثر هفت شاهزاده . . . رسید و مورد تحسین و آفرین بسیار گردید . » (ص ۵۲ و ۵۳)

نسخه های موجود

از نسخه های این کتاب آنچه دیده شده عبارتند از :

۱- نسخه حاضر که در کتابخانه آثار فرهنگی شهرتوبینگن آلمان غربی به شماره ۸۲۰ ضبط و موجود بود که بر حسب درخواست نویسنده مقاله و موافقت مدیریت دانشگاه توبینگن میکروفیلم آن تهیه گردید و اینک که توفیق چاپ و انتشار آن را بدست آورده : بر خود فرض و لازم می دانم که از اولیای دانشگاه مزبور و مدیریت کتابخانه و مقامات محترم فرهنگی دیگر سپاسگزاری نموده و مراتب تشکر صمیمانه خود را تقدیم بدارم .

توضیحاً تذکر داده می شود که این نسخه را آقای نجم آبادی ضمن فهرست کتابهای دیگر در مقاله خود در شماره ۳ سال هفتم مجله دانشکده ادبیات تهران صفحات ۶۹ تا ۸۶ معرفی فرموده اند ، متأسفانه جناب ایشان نام مؤلف را علیمرادخان قید فرموده اند که معلوم نیست این نام از کجا آمده است .

۲- نسخه کتابخانه ملی ملک که به شماره ۳۸۰۸ و به خط نستعلیق ۱۴ در ۲۴۳ برگ ۱۱ سطری به قطع $۱۷/۵ \times ۲۲/۵$ سانتیمتر واز آغاز و انجام آن ورقی افتاده است (طبق تقریر آقای دانش پژوه) . متأسفانه استفاده از این نسخه برای ما میسر نشد .

۳- طبق اطلاع ، چند سال قبل مقداری از این کتاب به اهتمام دانشمند عالیقدر جناب آقای سلطانعلی سلطانی بهبهانی در چند شماره از روزنامه پیک ایران منتشر شده و باتمام کوشش و سعی که مبذول شد، نمونه از آن بدست نیاید و معلوم نگردید که آقای سلطانی از چه نسخه استفاده فرموده اند و بعلت کسالت شدید و ممتد ایشان توفیق شرفیابی بدست نیامد و نتوانستم بفهمم که آیا نسخه ثالثی داشته اند یا از نسخه کتابخانه ملک استفاده فرموده اند . بهر تقدیر تصور می رود تا حد لازم این کتاب شناخته شد و علاقه مندان را تا اندازه دربارہ شناسائی این کتاب جالب یاری نمودیم .

چاپ کتاب

چاپ کتاب به کوشش نویسنده مقاله در طهران (چاپخانه تابان) در ۵۵۶ صفحه به قطع وزیری با کاغذ ۹۰ گرمی سفید به انجام رسیده و حواشی و تلیقاتی به آن افزوده شده است و برای تسهیل کار مراجعه کنندگان فهرست هائی به شرح زیر (نام کسان - نام جای ها - حرفه ها و مشاغل - فهرست القاب - اصلاحات مربوط به اندرونی شاهان صفویه - نام جانوران - نام گیاهان - نام آلات موسیقی نام آلات جنگ - نام کتابها) تنظیم و با شرح معانی بعضی از لغات و اصطلاحات و معنی بعضی از نام های مشاغل در آخر کتاب آمده است . چاپ کتاب تا حد امکان خوب است و تقریباً می توان گفت عاری از اغلاط چاپی مورد ابتلای مطبوعات فعلی است صحافی و جلد کتاب محکم و خوب و طلاکوب است . نویسنده اذعان دارد که با چاپ این کتاب از حد خود پا را فراتر نهاده است و لذا از پیشگاه فضلاء دانشمندان بانهایت فروتنی از این جسارت خود پوزش می طلبد و استدعای بخشش دارد .

« پایان »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی